

تحلیل تطبیقی مبانی نظری مداخله بریتانیا در دو جنگ کوزوو و لیبی از منظر مکتب انگلیسی

علی صباغیان^{۱*}، محمد عرف^۲

۱. گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. گروه مطالعات اروپا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین‌الملل حوزه موضوعی: بریتانیا	سیاست خارجی بریتانیا را در برهه‌های زمانی مختلف می‌توان بر اساس نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل تبیین کرد. در دو دوره مداخله نظامی این کشور در جنگ کوزوو و لیبی، توجیه‌های دولت کارگر و محافظه‌کار بر نظریه مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل تکیه دارد و می‌توان آن را بر این اساس تفسیر کرد. باین‌حال، رویکردهای اتخاذی تونی بلر و دیوید کامرون تحت تأثیر هنجارهای بین‌المللی در حال تحول و ملاحظات جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیکی) نشان از تداوم و تفاوت‌هایی در سیاست خارجی این کشور دارد. سؤال اصلی پژوهش این است: دلایل ورود و مداخله بریتانیا کدام است، که به عملکرد این کشور ذیل مأموریت‌های ناتو انجامید و بیانگر تفاوت رویکردهای سیاست خارجی دو حزب کارگر (تونی بلر) و حزب محافظه‌کار (دیوید کامرون) در دو جنگ کوزوو و لیبی است؟ این مقاله بر این فرضیه استوار است که بریتانیا در زمان زمامداری هم حزب کارگر و هم حزب محافظه‌کار، با استفاده از دلایل بشردوستانه و با بهره‌جستن از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی، مانند ناتو و شورای امنیت، ورود به جنگ‌های کوزوو و لیبی را توجیه کرده و اهداف ملی خود را پیش برده است. به‌منظور رسیدن به پاسخ سؤال و فرضیه پژوهش از مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل استفاده شد. داده‌های مقاله نشان می‌دهد، اگرچه مداخله بریتانیا در هر دو جنگ مبتنی بر اصل هم‌بستگی گرایانه مکتب انگلیسی استوار بوده است، حزب کارگر بیشتر به‌دنبال نفوذ جهانی و حزب محافظه‌کار درصدد پیشبرد دیپلماسی بوده است.

واژگان کلیدی:

بریتانیا،
تونی بلر،
دیوید کامرون،
رهنامه مسئولیت حمایت،
مکتب انگلیسی،
ناتو،
هم‌بستگی گرای.

ارجاع به این مقاله: صباغیان ع، عرف م. (۱۳۹۳). «تحلیل تطبیقی مبانی نظری مداخله بریتانیا در دو جنگ کوزوو و لیبی از منظر مکتب انگلیسی». مطالعات کشورها. ۹(۲): ۲۸-۱. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.392078.1265>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: sabbaghian@ut.ac.ir - <https://orcid.org/0000-0002-4505-1265>

2133

۱. مقدمه

تصمیم به ورود و مداخله مستقیم بریتانیا در جنگ کوزوو (۱۹۹۹م) و جنگ لیبی (۲۰۱۱م) و ایفای نقشی تأثیرگذار را می‌توان آغاز تحولی بنیادین در سیاست خارجی این کشور دانست. تصمیم به ورود به این دو جنگ را، به ترتیب دو نخست وزیر از دو گروه و گفتمان متفاوت و تقریباً متضاد، یعنی تونی بلر (از حزب کارگر) و دیوید کامرون (از حزب محافظه‌کار)، گرفتند و رهبری کردند. ازجمله دلایل دول وقت برای مداخله و ایفای نقش فعال در این دو جنگ موارد زیر برشمردنی است: تأکید بر ارزش‌های بشردوستانه و حفاظت از غیرنظامیان، دغدغه‌های راهبرد ملی، محاسبه‌های سیاسی داخلی و تمایل به حفظ حضور فعال بین‌المللی در چارچوب ناتو. با این حال، رویکردهای اتخاذی بلر و کامرون تحت تأثیر هنجارهای بین‌المللی در حال تحول و ملاحظات جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیکی) نشان از تداوم و تفاوت‌هایی در سیاست خارجی دارد. مداخله در جنگ کوزوو زمانی صورت پذیرفت که جامعه بین‌الملل هنوز با آثار و میراث عدم اقدام فعال در جنگ‌ها و مناقشه‌های بوسنی و رواندا مواجه بود. به همین دلیل، تونی بلر از این فرصت بهره برد و در مقام مدافع مداخله بشردوستانه ظاهر شد و درگیری کوزوو را تعهدی اخلاقی برای حفاظت از غیرنظامیان بی‌گناه در برابر پاکسازی قومی مطرح کرد. «رهنامه جامعه بین‌المللی»^۱ بلر با تأکید بر این امر که حاکمیت نباید مانعی برای اقدام در مواقع نقض حقوق بشر باشد، به اصلی بنیادین برای توجیه مداخله تبدیل شد. تعهد وی به چندجانبه‌گرایی با محوریت ناتو، که نقشی محوری را ایفا می‌کرد، باعث شد تا درگیری کوزوو به لحظه‌ای مهم در سیاست خارجی بریتانیا تبدیل شود و لیدئال‌های بشردوستانه با اقدام‌ها و همکاری‌های نظامی ذیل نهادهی بین‌المللی هماهنگ شود و به سنجه‌ای برای اقدام‌های بین‌المللی بعدی تبدیل شود.

مداخله و ورود بریتانیا در جنگ داخلی لیبی در بستر بین‌المللی متفاوتی با گذشته شکل گرفت. سازمان ملل در سال ۲۰۰۵م، با تأیید رسمی «رهنامه مسئولیت حمایت» (R2P)^۲، چارچوب هنجاری قوی‌تری برای مداخله‌های آتی پدیدار کرد. دیوید کامرون در سال ۲۰۱۱م، با مواجهه با بحران‌های بشردوستانه در لیبی، اعتراض‌های ضدحکومتی معمر قذافی و به تبع آن سرکوب معترضان، توانست از فرصت پیش‌آمده استفاده کند و بریتانیا را یکی از پیشگامان اقدام

1. Doctrine of the International Community
2. Responsibility to Protect

بین‌المللی علیه قذافی معرفی کند. رویکرد بلر در قبال جنگ عراق باعث شده بود تا کامرون با اقبال و حمایت نه‌چندان مستحکم افکار عمومی روبه‌رو شود. از همین روی، کامرون با تکیه بر قطعنامه ۱۹۷۳ (۲۷ مارس ۲۰۱۱م) شورای امنیت سازمان ملل، مبنی بر به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌ها برای محافظت از شهروندان و ایجاد منطقه پرواز ممنوع و کسب حمایت سازمان‌های منطقه‌ای، نظیر اتحادیه عرب، توانست بر قانونی‌بودن مداخله‌های بریتانیا تأکید کند. بریتانیا در جنگ کوزوو توانست خود را در قالب اقدام دسته‌جمعی ذیل ناتو، حامی و رهبر اخلاقی و مخالف سرسخت نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در منطقه معرفی کند. این در حالی است که مداخله در لیبی، با رویکردهای چندجانبه‌گرایانه در خلال سیاست‌های ناتو (رویکرد نظامی) و سازمان ملل متحد (رویکرد سیاسی-دیپلماتیکی)، کمک‌های بشردوستانه، حفاظت از شهروندان، فراهم‌آوردن آزادی و دموکراسی برای مردم لیبی پس از سرنگونی قذافی تلقی می‌شد. ناتو نیز در جایگاه بازیگری کلیدی در دو جنگ کوزوو و لیبی، توانست با ایجاد سازوکاری فعال، هم از ظرفیت‌های کشورهای عضو بهره بگیرد و هم کشورهای عضو نظیر بریتانیا از ظرفیت‌های بین‌المللی ناتو در راستای منافع خود بهره‌مند شوند. با این حال، محیط راهبردی و سطح حملیت بین‌المللی در این دو واقعه به‌طور قابل توجهی متفاوت بود. در کوزوو، ناتو بدون مجوز صریح سازمان ملل اقدام کرد که قانونی‌بودن آن را زیرسؤال برد. توجیه بلر به‌شدت بر وظیفه اخلاقی برای جلوگیری از جنایات دسته‌جمعی تکیه داشت. به این ترتیب، الزام‌های اخلاقی را بر رعایت دقیق قوانین بین‌المللی مقدم شمرد. در مقابل، رویکرد کامرون محتاطانه‌تر و مبتنی بر قانون بود و به قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل تکیه داشت که «تمامی اقدام‌های لازم» برای حفاظت از غیرنظامیان را مجاز می‌دانست. این تغییر رویکرد و تأکید مضاعف بر مشروعیت قانونی و اجماع بین‌المللی برگرفته از تجربه جنگ عراق و منعکس‌کننده فرایند یادگیری و حافظه جمعی سیاست‌گذاران خارجی بریتانیاست. در این مقاله، با استفاده از نظریه مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل، رویکردهای سیاست خارجی بریتانیا به روند مشروعیت‌بخشیدن به حضور نظامی خود و انگیزه‌های دخیل در مشارکت در این دو جنگ تحلیل شده است. سؤال اصلی و مبنایی مقاله این است: دلایل ورود و مداخله بریتانیا کدام است، که به عملکرد این کشور ذیل مأموریت‌های ناتو انجامید و بیانگر تفاوت رویکردهای سیاست خارجی دو حزب کارگر (تونی بلر) و حزب محافظه‌کار (دیوید کامرون) در

دو جنگ کوزوو و لیبی است؟ فرضیه این مقاله برای پاسخ‌دهی به این سؤال چنین است: بریتانیا در زمان تصدی منصب نخست‌وزیری از حزب کارگر (به رهبری تونی بلر) و از حزب محافظه‌کار (دیوید کامرون) در دو جنگ کوزوو و لیبی با استفاده از دلایلی نظیر مداخله بشردوستانه، رهنامه مسئولیت حمایت، مداخله بشردوستانه و دیگر دلایل اخلاقی و انسانی هدف خود را برای ورود در این دو جنگ مشروع جلوه داده است. همچنین، با استفاده از ظرفیت‌های موجود در سازمان‌های بین‌المللی، نظیر ناتو و شورای امنیت سازمان ملل متحد، اهداف ملی خود را به پیش برده است.

در این مقاله، با رویکردی چندوجهی (بررسی رویکرد بریتانیا ذیل مأموریت‌های ناتو، تحلیل محتوای سخنرانی‌های نخست‌وزیران وقت و مقایسه رویکردها و نتایج آنان)، نخست نحوه مشارکت و دلایل توجیهی بریتانیا در جنگ کوزوو و لیبی توضیح داده شده است. در این پژوهش، همچنین با به‌کارگیری از مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل، بر جنبه عملی و کاربردی این نظریه در بررسی و تحلیل وقایع بین‌المللی تأکید شده است. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است و محتوای سخنرانی‌های نخست‌وزیران وقت بریتانیا (بلر و کامرون) برای دستیابی به دلایل و رویکردهای سیاست خارجی بریتانیا تحلیل شده است. نتیجه نهایی این تحلیل محتوا دستیابی به نقشه‌ای شبکه‌ای است از تحلیل محتوای کیفی سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های بلر و کامرون به رویکرد بریتانیا که در بخش انتهایی مقاله به آن پرداخته‌ایم.

۲. پیشینه

به موضوع مداخله بریتانیا در دو جنگ کوزوو و لیبی پژوهشگران بسیاری توجه نشان داده‌اند و کتاب‌ها و مقاله‌هایی در این خصوص نوشته شده است که به برخی از آن‌ها که با موضوع بحث مرتبط است اشاره می‌کنیم. مک‌کامیسکی در کتاب خود با عنوان *سیاست خارجی بریتانیا در یوگسلاوی سابق: اتحاد و هم‌بستگی /زدست‌رفته* به تحول‌های سیاست خارجی بریتانیا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م پرداخته است. وی تأکید می‌کند که چگونه پس از پیروزی حزب کارگر در سال ۱۹۹۷م، بُعدی اخلاقی به سیاست خارجی بریتانیا اضافه شد. این سیاست به مداخله در کوزوو، تحت لوای الزامی اخلاقی برای جلوگیری از رنج انسانی منجر شد. اما، نویسندگان این مقاله در بیان این مسئله دچار مشکل شده‌اند: آیا این

الزام‌های اخلاقی به الگویی در روند کلی سیاست خارجی بریتانیا تبدیل شده است؟ (McCumiskey, 2023). در همین راستا، کئوئن درباره رویکردهای متفاوت احزاب سیاسی بریتانیا به استفاده از نیروی نظامی، نشان می‌دهد که حزب کارگر به رهبری تونی بلر به سمت مداخله‌گرایی انسان‌دوستانه گرایش یافت که نمونه بارز آن را در کوزوو می‌توان مشاهده کرد (Keohane, 2003).

کر-لندزی به تغییر نگرش‌های بین‌المللی درباره کوزوو پرداخت و نشان داد که چگونه سیاست بریتانیا از حمایت از خودمختاری کوزوو در چارچوب یوگسلاوی به لزوم استقلال کامل تغییر کرد (Ker-Lindsay, 2009a). این تغییر نه تنها بیانگر تحول در سیاست خارجی بریتانیا بود، بلکه بازتاب‌دهنده تغییری وسیع‌تر در نگرش جامعه بین‌المللی به حق تعیین سرنوشت مردم بود. در این پژوهش به این مسئله پرداخته شده است که بریتانیا بعد از شناسایی کوزوو به منزله کشوری که با مشکلات داخلی بعد از استقلال دست‌وپنجه نرم می‌کند، چه نقشی ایفا کرده و چگونه مشکلات و قدم‌های بعدی را شناسایی کرده است.

مک‌کورت استدلال می‌کند که پذیرش مداخله بشردوستانه بریتانیا تنها محدود به رهبری بلر نبود، بلکه با تغییرات گسترده‌تری در نگرش‌های آتلانتیک‌گرایانه نیز مرتبط بود. وی نشان می‌دهد که چگونه حمایت مستمر بریتانیا از ناتو و مشارکت در عملیات‌های ناتو در بوسنی و کوزوو، سیاست خارجی بریتانیا را به سمت پذیرش گسترده‌تر مداخله‌های بشردوستانه سوق داد (McCourt, 2012). وی اشاره دارد که مداخله بشردوستانه بیانگر دلایل بریتانیا برای قرارگرفتن در این مسیر نیست.

کاراتی به بررسی مجدد مداخله ناتو در لیبی پرداخت و به نقش این سازمان و چالش‌های هم‌گام‌سازی اهداف نظامی با اصول اخلاقی مسئولیت حفاظت (R2P) اشاره می‌کند. او توضیح می‌دهد که چگونه عدم تطابق بین اهداف نظامی و اهداف بشردوستانه، چالش‌های جدی برای این عملیات ایجاد کرده است. اما، در این پژوهش به نقش نهادی ناتو در جایگاه سازمانی تصمیم‌گیر اشاره نکرده است (Carati, 2017).

ولش نیز نتایج پس از مداخله ناتو در لیبی را بررسی کرد و نشان داد چگونه بی‌ثباتی پس از مداخله، محدودیت‌های مداخله‌های بشردوستانه را آشکار و این سؤال را مطرح کرد که آیا مداخله‌های نظامی به‌طور مؤثری به نتایج صلح‌آمیز منجر می‌شود؟ در این پژوهش یکی از نکات دیده‌نشده نتایج پس از مداخله‌ها و تأثیرهای بلندمدت آن در مقوله‌های سیاسی و اجتماعی است (Welsh, 2016).

دادو و اشناپر به مقایسه سیاست‌های مداخله لیبرال تونی بلر و دیوید کامرون پرداختند و تفاوت‌های ایدئولوژیکی و رویکردهای اقتصادی آن‌ها را برجسته کردند. آن‌ها نشان دادند، درحالی‌که بلر به دنبال مداخله‌های بشردوستانه با حمایت گسترده بین‌المللی بود، کامرون بیشتر به منافع ملی بریتانیا و تضمین حمایت داخلی توجه داشت (Daddow & Schnapper, 2013).

در بررسی دیگری، کوپرمن به بررسی انتقادی مداخله ناتو در لیبی در سال ۲۰۱۱ م می‌پردازد. کوپرمن تحلیل می‌کند که برخلاف ادعاهای اولیه، مداخله ناتو به نتایج غیرمنتظره‌ای انجامید، همچون تشدید بی‌ثباتی، افزایش خشونت‌های داخلی، و ایجاد زمینه‌ای برای تقویت گروه‌های تروریستی. او به این نکته اشاره می‌کند که تلاش برای مداخله بشردوستانه در لیبی، به جای جلوگیری از نقض حقوق بشر، به تشدید بحران منجر شد و بر ثبات منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی تأثیرهای مخربی گذاشت (Kuperman, 2013).

نوآوری پژوهش حاضر در چند محور اساسی مشخص است. نخست آنکه، برخلاف اغلب مطالعات پیشین که به صورت تک‌موردی و صرفاً یکی از مداخله‌های نظامی بریتانیا بررسی شده است، در این مقاله، با اتخاذ رویکردی تطبیقی، به تحلیل هم‌زمان نقش بریتانیا در دو مداخله کوزوو و لیبی پرداخته‌ایم و از این طریق چارچوبی جامع را برای فهم سیاست‌گذاری خارجی بریتانیا در دو دولت متفاوت (کارگر و محافظه‌کار) طرح کرده‌ایم. دوم آنکه در مقلله حاضر، از منظر مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است و مفاهیمی چون هم‌بستگی‌گرایی، مداخله بشردوستانه و مسئولیت حمایت، اصول تحلیلی بنیادین به کار رفته است؛ مفاهیمی که در آثار پیشین یا از آن غفلت شده یا تنها به‌طور محدود و غیرروش‌مند بدان پرداخته شده است. سوم، نوآوری روش‌شناختی این پژوهش در بهره‌گیری از تحلیل محتوای مضمون برای بررسی داده‌های متنی همچون سخنرانی‌های نخست‌وزیران است که در متون پیشین به کار نرفته است. این رویکرد ترکیبی میان نظریه و روش، امکان تحلیل عمیق‌تری از منطق مداخله‌گری بریتانیا را در چارچوب نهادهای بین‌المللی فراهم می‌سازد و بر غنای نظری و تجربی پژوهش می‌افزاید.

۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری انتخاب‌شده برای تبیین نظری مقاله حاضر نظریه مکتب انگلیسی

و استفاده از رویکرد هم‌بستگی‌گرایانه آن است. مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل با قرارگیری در میانه نظریه‌های رئالیستی و لیبرالیستی، نگرش و رویکردی نهادی و تاریخی را برای درک سیاست جهانی در اختیار قرار می‌دهد. در این نظریه بر ارزش‌ها، هنجارها و نهادهای مشترک شکل‌دهنده و تأثیرگذار بر تعامل‌های دولت‌ها تأکید می‌شود. این مکتب بیشتر در نیمه دوم قرن بیستم میلادی رواج یافت، زیرا تأکید منحصربه‌فرد آن بر مفهوم جامعه بین‌المللی در جایگاه جامعه‌ای از دولت‌هاست که منافع، قواعد و روش‌های مشترکی را در مدیریت روابط بین‌الملل به رسمیت می‌شناسد (Dunne, 1998: 45; Bull, 1977: 15). این دیدگاه ترکیبی از تمرکز رئالیسم سنتی است بر سیاست قدرت با به‌کارگیری تفکر لیبرالی از نهادها، ارزش‌های اخلاقی و ابعاد هنجاری. مکتب انگلیسی یکی از نظریه‌هایی است که با ابعاد اخلاقی در روابط بین‌الملل به‌طور مستقیم در تعامل است و با استفاده از آن می‌توان مبنای نظری نیز برای آن معرفی کرد؛ به‌ویژه از طریق مفاهیم جنگ عادلانه^۱، مداخله بشردوستانه^۲، و حفاظت از غیرنظامیان^۳.

در سنت جنگ عادلانه، که بر پایه‌های تاریخی و فلسفی استوار است، تأکید می‌شود که جنگ باید معیارهای اخلاقی خاصی مانند اقتدار مشروع، علت عادلانه، و تناسب داشته باشد و به نوعی هنجارمدار باشد (Brown, 2002: 56). مداخله بشردوستانه، که به استفاده از زور برای حفاظت از افراد در برابر نقض حقوق بشر اشاره دارد، یکی دیگر از حوزه‌های اصلی بحث است. مباحث پیرامون مکتب انگلیسی اغلب حول تعادل میان اصول حاکمیت و عدم‌مداخله (عناصر اصلی جامعه بین‌المللی) و ضرورت اخلاقی جلوگیری از جنایت قرار می‌گیرد. این بحث در رهنامه‌های هم‌بستگی‌گرایی^۴ و کثرت‌گرایی^۵ تجسم یافته است. در هر دو رویکرد، نظام دولت در عمل، جامعه‌ای از دولت‌هاست که ارزش‌های پذیرفته‌شده قواعد و نهادها را در بر می‌گیرد. اما هدلی بول معتقد است که بر سه موضوع مهم اختلاف عقیده وجود دارد: محل جنگ در جامعه بین‌المللی، منابع قوانین بین‌المللی و وضعیت افراد (معصوم‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۵). هم‌بستگی‌گرایان معتقدند که جامعه بین‌المللی وظیفه دارد برای حفاظت از حقوق بشر مداخله کند، حتی به بهای زیرپانهادن حاکمیت دولت. به‌طور کلی، این رویکرد را می‌توان در باور

-
1. just war
 2. humanitarian intervention
 3. civilian protection
 4. solidarism
 5. pluralism

گرسپوسی مشاهده کرد. در این نگرش مفروض اصلی این است که افراد انسانی موضوع حقوق بین‌الملل و به‌طور ماهوی اعضای جامعه بین‌المللی هستند (Bull, 1966: 64). هم‌بستگی‌گرایی رویکردی رادیکال‌تر نیز دارد که در آثار لینکلتر دیده می‌شود. در این رویکرد، با مفهوم کانتی، فرد مقدم بر همه‌چیز است. بر همین اساس، در مطالعات امنیتی مکتب انگلیسی، به‌جای دولت، بر فرد تمرکز می‌شود و دولت‌ها وظیفه‌ای اخلاقی برای حفظ و تأمین امنیت شهروندان خود دارند (Linklater, 1990: 182).

بر همین اساس، هم‌بستگی‌گرایان از رویکردهای مداخله‌گرایانه‌تر حمایت می‌کنند و تأکید دارند که دولت‌ها مسئولیت اخلاقی دارند تا از افراد فراتر از مرزهای خود محافظت کنند. در چنین دیدگاهی اصول نوینی مانند رهنامه «مسئولیت حمایت» (R2P) شکل می‌گیرد، بر پایه تعهد جامعه بین‌المللی برای مداخله دیپلماتیکی، اقتصادی، یا نظامی در زمانی که دولت قادر یا مایل به حفاظت از شهروندان خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی، و جنایت علیه بشریت نیست (Bellamy, 2009: 88). بری بوزان معتقد است که «جامعه بین‌المللی هم‌بسته‌گرا دربردارنده طیف گسترده‌ای از هنجارها، قواعد و نهادهاست؛ در این میان، اقدام جمعی نیز یکی از هنجارها تلقی می‌شود (Buzan, 2002: 206). بر این اساس، جامعه بین‌الملل از دولت‌ها و حاکمیت‌ها انتظار دارد تا برای حفظ امنیت و سلامت شهروندان خود بکوشند (Kartashkin, 1991: 46). نیکولاس ویلر نیز معتقد است که دخالت هند در پاکستان شرقی (۱۹۷۱م)، دخالت در کامبوج (۱۹۷۸م)، اوگلندا (۱۹۷۹م)، عراق (۱۹۹۱م)، رولندا (۱۹۹۴م) و کوزوو (۱۹۹۹م) با مجوز رسمی سازمان ملل، هنجار جدید مداخله بشردوستانه توسعه یافته و نهادینه شده است (قوام و نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۴۹).

به عبارت دیگر، مسئولیت حمایت بر این اصل تأکید می‌کند که حق حاکمیت «امتیاز» ویژه نیست، بلکه «مسئولیتی» است که حاکمان را موظف می‌کند تا به مردم خود حساس باشند و از آنان حمایت کنند. در صورت تخطی حاکمان از این مسئولیت و اقدام به جنگ داخلی و کشتار و سرکوب دسته‌جمعی، جامعه بین‌الملل حق مداخله دارد. این مداخله به انجا و صورت‌های گوناگونی تحقق می‌یابد، نظیر اقتصادی، اجتماعی، نظامی و حقوقی (Thakur, 2011: 33). همچنین، عنوان می‌کنند که مرزهای سیاسی را کثرت‌گرایان پذیرفته‌اند. در واقع، ممکن است به ناامنی‌های فردی منجر شود و دامنه امکان سیاسی را در برخورد با

این مشکلات محدود کند (معصوم زاده، ۱۳۹۸: ۱۵). باید این نکته را در نظر داشت که مداخله بشردوستانه و مسئولیت حمایت (R2P) نیازمند مشروعیت نزد افکار عمومی است. بر همین اساس «کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولتی» (ICISS)^۱ سازمان ملل در سال ۲۰۰۰م تشکیل شد و در گزارش خود با عنوان «مسئولیت حمایت» در سال ۲۰۰۱م، زمینه‌های قانونی آن را گذارد. پس از درج مسئولیت حمایت در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ اجلاس سران در سال ۲۰۰۵م، مطابق با گزارش کوفی عنان، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۹م، مسئولیت حمایت بر سه اصل استوار شد (United Nations General Assembly, 2005: 138-139):

۱. مسئولیت پیشگیری. پیشگیری و پاسخگویی مقام‌های دولتی در قبال جرایم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، پاکسازی قومی و جنایات جنگی.
۲. مسئولیت واکنشی و مداخله. در مواقع حساس، ممکن است اقدام‌های سرکوبگرانه‌ای صورت گیرد؛ مانند تحریم، محاکمه بین‌المللی و در مواقع حاد مداخله نظامی. شورای امنیت سازمان ملل متحد نهادی تصمیم‌گیرنده در خصوص مسئولیت واکنش قاطع و به‌موقع خواهد بود.
۳. مسئولیت بازسازی و کمک‌های بین‌المللی. این مسئولیت برنامه‌های ترویج و تقویت حقوق بشر، بازسازی و تحکیم صلح پس از مناقشه، صلح‌بانی و استقرار پیشگیرانه نیروها، کمک‌های توسعه‌ای و تقویت حکومت قانون را شامل می‌شود.

در طرف مقابل، کثرت‌گرایان به نمایندگی هدلی بول بر این باور هستند که احترام به حاکمیت دولت‌ها یکی از اصول تعدی‌ناپذیر است و درباره سوءاستفاده احتمالی از مداخله و ادله‌های اخلاقی هشدار می‌دهند (Wheeler, 2000: 110). کثرت‌گرایان در مواجهه با مداخله محتاط‌تر هستند و بر اهمیت احترام به حاکمیت دولت برای حفظ نظم بین‌المللی تأکید دارند؛ معتقدند که مداخله بیش از حد به تضعیف ثباتی می‌انجامد که جامعه بین‌المللی به دنبال حفظ آن است و احتمالاً به منازعه و بی‌نظمی بیشتر منجر می‌شود. در این دیدگاه، بیش از همه به حفظ نظم و ترویج عدالت تأکید می‌شود تا برخوردهای سخت نظامی (Jackson, 2000: 92). به بیانی دیگر، در این رویکرد به سنت و نهاد حقوق بین‌الملل تأکید شده است و

1. International Commission on Intervention and state Sovereignty

با غیرقانونی دانستن مداخله‌های بشردوستانه، تقدم همواره به حاکمیت است. در این خصوص، هدلی اشاره دارد که تلاش‌ها برای به‌کارگیری اصول عدالت ممکن است جنبه‌گزينشی به خود بگیرد و آنچه مجازات بین‌المللی و مداخله بین‌المللی مشروع در نظر گرفته می‌شود، در واقع «عدالت طرف پیروز»^۱ علیه دیگران است (قوام و نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۴۶). راه‌حل کثرت‌گرایان مبتنی است بر اصل «هم‌زیستی»^۲ و تکیه بر نهادهایی همچون دیپلماسی، حقوق بین‌الملل و موازنه قدرت.

در نتیجه، رویکرد مکتب انگلیسی به روابط بین‌الملل، که با مفهوم جامعه بین‌الملل و تعادل قدرت با ارزش‌های مشترک اخلاقی معین می‌شود، چارچوبی غنی برای درک مناقشه‌های ذیل مفهوم جامعه جهانی است. به همین علت، در این مقاله تلاش شده است تا با بهره‌گیری از چارچوب‌ها و مفاهیم مکتب انگلیسی، به‌ویژه رویکردهای هم‌بستگی‌گرایانه آن، چرایی دخالت بریتانیا در دو جنگ کوزوو و لیبی، همچنین رویکرد سیاست خارجی بریتانیا در زمان تصدی تونی بلر و دیوید کامرون تبیین شود.

۴. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، با استفاده از روش مطالعه تطبیقی، رویکرد دو حزب کارگر و محافظه‌کار بریتانیا و چگونگی واکنش این دو دولت به جنگ کوزوو و جنگ لیبی در زمان تونی بلر و دیوید کامرون و رویکردهای آنان بررسی شده است. رویکردهای موردنظر، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی از سخنرانی‌ها و موضع‌گیری آنان به‌دست آمده است. در ادامه، نخست، روش مطالعه تطبیقی و سپس روش تحلیل محتوای کیفی استفاده‌شده در این پژوهش را شرح داده‌ایم.

مطالعه تطبیقی یکی از روش‌های مهم در پژوهش‌های علمی است که امکان بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان دو یا چند موضوع را فراهم می‌کند. این روش به‌طور گسترده در علوم اجتماعی برای تحلیل سیاست‌ها، رویکردها و نتایج به‌کار می‌رود. رانجیت کومار بر این باور است که تحلیل تطبیقی به پژوهشگران کمک می‌کند الگوها و روندهای مشترک را شناسایی و آثار عوامل مختلف را بر نتایج بررسی کنند. این روش، به‌ویژه در پژوهش‌های میان‌فرهنگی و میان‌رشته‌ای اهمیت دارد، زیرا می‌توان از آن برای مقایسه سیاست‌های عمومی در کشورهای مختلف استفاده و چالش‌ها و فرصت‌های موجود در هر کشور را بهتر درک کرد.

1. victor jusice
2. coexistence

(Kumar, 2012). همچنین، مطالعات تطبیقی در ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌ها و بیان نتایج تعمیم‌پذیر بسیار مؤثر است. پژوهش‌های موردی تطبیقی به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که از بررسی چند نمونه از یک پدیده، به نتیجه‌گیری‌های کلی‌تری دست‌یابند. این روش در شناسایی بهترین رویه‌ها و اجتناب از اشتباه‌های رایج در حوزه‌های مختلف بسیار مفید است. به‌طور مثال، با مطالعات تطبیقی در زمینه روابط بین‌الملل یا بهداشت عمومی می‌توان نشان داد چگونه عوامل فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی مختلف بر نتایج تأثیر می‌گذارند و درس‌های ارزشمندی برای سیاست‌گذاری و اقدام‌های آینده فراهم می‌آید. با استفاده از این رویکرد، پژوهشگران به درکی جامع و عمیق‌تر از موضوع‌های پژوهشی دست می‌یابند (Thomas, 2021).

در این پژوهش، با استفاده از روش پژوهش کیفی و با استفاده از ابزار تحلیل محتوای مضمون، سخنرانی‌های رسمی نخست‌وزیران وقت بریتانیا در خلال جنگ کوزوو (تونی بلر) و لیبی (دیوید کامرون) بررسی شده است. هدف این روش شناسایی، تحلیل و گزارش مضامین معنادار در داده‌های متنی است. این روش، با تأکید بر الگوهای معنایی داده‌ها، به پژوهشگر کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از تجارب و معانی پنهان در درون متن دست‌یابد. براون و کلارک این روش را رویکردی انعطاف‌پذیر معرفی می‌کنند که از طریق شش مرحله کلیدی انجام می‌شود: آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین، و تهیه گزارش نهایی (Braun & Clarke, 2006: 82-90). در این پژوهش از تحلیل محتوای تفسیری استفاده شده است. بر اساس دیدگاه وایسمورادی و همکاران، تحلیل مضمون به دو صورت توصیفی و تفسیری اجرا می‌شود. در نوع توصیفی تمرکز بر شناسایی مضامین سطحی و آشکار است، درحالی‌که در نوع تفسیری بر مفاهیم پنهان و ضمنی تمرکز می‌شود. این روش به‌ویژه برای تحلیل داده‌هایی چون مصاحبه، متون، مستندات و یادداشت‌های میدانی مناسب است (Vaismoradi et al., 2013: 400).

برای رسیدن به اهداف پژوهشی و روش‌شناختی پژوهش حاضر، از نرم افزار MAXQDA بهره گرفته شده است. با استفاده از این روش، نخست سخنرانی‌های هر دو نخست‌وزیر به‌دقت بررسی شد. سپس، با استفاده از از پشتوانه نظریه این مقاله، یعنی مکتب انگلیسی، کدگذاری انجام شد. در چارچوب تحلیل محتوای کیفی مضمون، استفاده از این نرم‌افزار به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که

داده‌های متنی همچون مصاحبه، اسناد و یادداشت‌های میدانی را به شیوه‌ای منظم و هدفمند تحلیل کند. در این روش، نخست داده‌ها در محیط نرم‌افزار بارگذاری می‌شود و پژوهشگر با مطالعه مقدماتی، آشنایی اولیه با محتوای داده‌ها پیدا می‌کند. سپس، کدهای اولیه بر اساس مفاهیم برجسته در متن ایجاد و بخش‌های مرتبط با آن‌ها نشانه‌گذاری می‌شود. این کدها در مراحل بعدی در قالب خوشه‌ها یا دسته‌هایی سازمان‌دهی می‌شوند تا مضامین اصلی و فرعی پژوهش به تدریج استخراج شود. نرم‌افزار MAXQDA ابزارهایی برای مرور فراوانی کدها، تحلیل روابط میان آن‌ها، و استخراج بخش‌های مرتبط با هر مضمون فراهم می‌سازد که در نهایت پژوهشگر را در تدوین تحلیل نهایی و نگارش گزارش پژوهش یاری می‌کند. این فرایند شفافیت، دقت و انسجام را در تحلیل کیفی داده‌ها افزایش می‌دهد.

منابع مورد استفاده در این پژوهش عبارت بود از سخنرانی‌های رسمی نخست‌وزیران در پارلمان و بیانیه‌های صادره از جانب ایشان. با هدف جلوگیری از سوءگیری در نتایج پژوهش، هیچ منبع دست دومی نظیر وبگاه‌های خبرگزاری‌ها، یادداشت و تحلیل‌های اندیشکده‌ای بررسی نشد. در مجموع، چهار سخنرانی رسمی از تونی بلر و سه سخنرانی از دیوید کامرون بررسی شد که همگی در بستر اینترنت در دسترس است.

برای رسیدن به این هدف از روش آتراید-استرلینگ استفاده شد که روشی نظام‌مند و ساختاریافته برای تحلیل موضوعی داده‌های کیفی و هدف آن استخراج الگوهای معنایی و مفاهیم عمیق در متون است. این روش را جنیفر آتراید-استرلینگ معرفی کرد، شامل مراحل متوالی و دقیق برای تحلیل داده‌های کیفی. آتراید-استرلینگ فرایند تحلیل موضوعی را به سه مرحله اصلی تقسیم کرده است: ۱. استخراج کدهای اولیه، ۲. گروه‌بندی کدها به موضوع‌های سازمان‌دهنده، و ۳. ترکیب موضوع‌های سازمان‌دهنده به موضوع‌های فراگیر یا اصلی (Attride-Stirling, 2001: 390-396).

این مراحل به پژوهشگر امکان می‌دهد تا از کدگذاری اولیه به‌سوی تحلیل‌های عمیق‌تر و انتزاعی‌تر حرکت کند و روابط بین موضوع‌ها را به‌طور نظام‌مند مشخص کند. آتراید-استرلینگ با پیشنهاد ابزارهای تصویری مانند نقشه‌های شبکه‌ای، به پژوهشگر کمک می‌کند تا فرایند تحلیل را گرافیکی به تصویر بکشد و روابط بین موضوع‌ها را بهتر درک و تفسیر کند (Attride-Stirling, 2001: 390-396).

Stirling, 2001:393). این روش را شبکه مضامین^۱ می‌نامند. در این فرایند تحلیلی، نقشه‌ای شبیه تارنما، به مثابه اصل سازمان‌دهنده و تصویری مفسر عرضه می‌شود. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها یا نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی و در برگیرنده اصول حاکم بر تمامی متن) را در بر می‌گیرد. سپس، این مضامین به طور شبکه‌ای در سه سطح، به همراه روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵، ۳۹۰-۳۹۶).

۵. بحث

در تبیین دلایل همکاری بریتانیا با ناتو در جنگ کوزوو و لیبی باید گفت بریتانیا در جنگ‌ها و مناقشه‌های متعددی حضور فعال داشته و توانسته است یا خود تشکیل‌دهنده ائتلافی باشد یا در ذیل ساختاری بزرگ‌تر و فراگیرتر فعالیت کند. مناقشه‌ها پیرامون کوزوو و لیبی را می‌توان به مورد دوم تعمیم داد: بریتانیا خود در قالب ناتو و ذیل قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل عمل کرد. در همین راستا، به بررسی نحوه کنش بریتانیا در دو جنگ کوزوو و لیبی می‌پردازیم و بررسی می‌کنیم که این کشور در قالب ائتلاف چگونه فعالیت کرده است.

۱.۵. جنگ کوزوو

تصمیم تونی بلر به مشارکت در جنگ کوزوو با سخنرانی‌های وی با مضامینی اخلاقی آغاز شد. بلر با تأکید بر ارزش‌های بشردوستانه و حفاظت از شهروندان در برابر خشونت روش‌مند، جنگ کوزوو را جنگی میان خیر و شر می‌دانست و با تأکید بر این امر که این جنگ چیزی بیش از تلاشی نظامی است، آن را نبردی حماسی برای عدالت، حقوق بشر و علیه بربریت به تصویر کشید (Hammond & Herman, 2000: 20-21). این رویکرد به شدت به چارچوب اخلاقی مداخله بشردوستانه متکی بود، به نحوی که وی مکرر در بیانیه‌های خود به آن اشاره می‌کرد تا حمایت عمومی و مشروعیت از مداخله را بر مبنای دلایل بشردوستانه کسب کند. در آوریل ۱۹۹۹م، بلر به این نکته تأکید کرد، در مواقعی که نقض حقوق بشر رخ می‌دهد، به هنجار یا مجموعه‌ای از هنجارهای بین‌المللی برای توجیه واکنش‌ها نیاز احساس می‌شود. وی در اصل، به دنبال بازتعریف شرایط و دلایل اقدام نظامی بود. رهبری بلر با تلاش‌های او برای حفظ وحدت ناتو در خلال

1. network thematic

جنگ بیش از پیش مشخص شد؛ در همین راستا اقدام‌هایی به منظور متقاعد کردن اعضای ائتلاف برای حفظ تعهداتشان، علی‌رغم موانع و موضع‌گیری‌های مختلف، اتخاذ شد (Vickers, 2000: 55-69).

بلر در سخنرانی‌های خود، غالباً بر ضرورت مداخله برای حفظ ارزش‌های انسانی و جامعه بین‌المللی تأکید می‌کرد. این موضوع نشان‌دهنده تأثیر دیدگاه هم‌بستگی‌گرای مکتب انگلیسی بود. او استدلال می‌کرد که استفاده از زور نه تنها نیازی راهبردی، بلکه الزامی اخلاقی است. به تصویر کشیدن مداخله کوزوو همچون نبرد اخلاقی در اصل تلاش بلر برای همسو کردن سیاست خارجی بریتانیا با ملاحظات اخلاقی را نشان می‌دهد (Hammond & Herman, 2000). هیر نشان می‌دهد که اقدام‌های بلر به منظور مداخله در جنگ کوزوو پیش‌زمینه‌ای برای مداخله‌های بشردوستانه بعدی است؛ مانند آنچه در عراق و دارفور دیده شد. رویکرد بلر در واقع، به تلاش وی برای مشروعیت‌بخشی به مداخله از طریق ترکیبی از مجموعه عوامل، نظیر توجیه‌های اخلاقی و ارجاع‌ها به هنجارهای بشردوستانه محسوب می‌شود (Hehir, 2008: 48).

ترکیبی از وظایف اخلاقی، منافع راهبردی، و پای‌بندی به ائتلاف درون ناتو عمده‌ترین دلایل ورود بریتانیا به جنگ کوزوو بود. دولت کارگر این مداخله را تعهدی برای حفظ حقوق بشر و جلوگیری از پاکسازی قومی در اروپا به تصویر کشید که با موضع تاریخی و ایدئولوژیکی بریتانیا در حفظ ثبات منطقه‌ای هم‌خوانی داشت (Keohane, 2003: 81). همچنین، تمایل به جلوگیری از تکرار شکست بوسنی، که تأخیر در مداخله به فاجعه‌ای بشردوستانه منجر خواهد شد، در توجیه بلر و مشروعیت‌بخشیدن به اقدام‌های نظامی آتی کمک بسیاری کرد (Vickers, 2000: 56). تأکید بلر بر مسئولیت حمایت (R2P) نمایانگر جنبه هم‌بستگی‌گرای مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل بود که حمایت از مداخله نظامی را زمانی شایسته می‌داند که حقوق بشر و نوع انسان در خطر باشد. وی معتقد بود که برای کشورهای دموکراتیک مانند بریتانیا ضروری است که علیه آنچه او اعمال شیطان‌ی مطرح می‌کرد، موضع بگیرند و بدین ترتیب مداخله را مبارزه‌ای برای ارزش‌های جهانی قرار داد (Lahtinen, 2006: 46). جنگ کوزوو همچنین فرصتی برای بریتانیا بود تا با اتهام‌های مربوط به استانداردهای دوگانه غرب درباره عدم مداخله در مناطق دارای اکثریت مسلمان مقابله کند و نشان دهد که تعهدات آنان به اجرای بی‌طرفانه حقوق بشر هنوز پابرجاست (Keohane, 2003: 82).

مک‌کامیسی به این موضوع اشاره می‌کند که رویکرد دولت کارگر در تضاد آشکار با سیاست قبلی بریتانیا در بالکان بود، که بیشتر با عدم اقدام و ترجیح راه‌حل‌های دیپلماتیکی، به‌جای نظامی، دنبال می‌شد. مداخله کوزوو به‌سمت رویکردی فعال‌تر و مداخله‌گرایانه‌تر تغییر جهت داد که دلیل اصلی آن تجربه‌های آموخته از شکست در بوسنی است (McCumiskey, 2023: 233). ناتو در جایگاه اصلی‌ترین ائتلاف نظامی درگیر در مداخله کوزوو نقشی حیاتی داشت و بستر حضور خود را برای سالیان متمادی گستراند. این کارزار نظامی که با عنوان «عملیات نیروهای متحد» شناخته می‌شود، نخستین مشارکت بزرگ نظامی ناتو بدون مجوز مستقیم سازمان ملل بود. ناتو جلوگیری از فاجعه بشردوستانه گسترده را دلیلی دانست تا پیش از واکنش رسمی سازمان ملل وارد عرصه جنگ شود (Roberts, 1999: 103). به‌عبارت دیگر، ناتو بر امنیت جمعی و مداخله بشردوستانه تأکید داشت و با ائتلاف درصدد جلوگیری از پاکسازی قومی و حفظ ثبات منطقه‌ای و اعمال قدرت بود.

این مداخله، نقش در حال تکامل و بلوغ ناتو را از ائتلافی صرفاً دفاعی به ائتلافی نشان داد که قادر به مشارکت فعال در بحران‌های بشردوستانه است و بازتابی است از تغییر به سمت رویکردی مداخله‌گرایانه‌تر در دوران پس از جنگ سرد و مشکلات هویتی که ناتو با آن مواجه بود (Ker-Lindsay, 2009b: 145). توافقی‌های رامبوئیته^۱ که در نهایت یوگسلاوی آن را رد کرد، مبنای توجیه دیپلماتیکی ناتو را برای مداخله فراهم کرد. این توافقنامه خطاری بود که احتمالاً یوگسلاوی نمی‌پذیرفت و به ناتو دلیلی برای اقدام نظامی می‌داد (Lahtinen, 2006: 45). بریتانیا، تحت رهبری تونی بلر، در عملیات ناتو نقش برجسته‌ای ایفا کرد. بلر در شکل‌دادن به گفتمان مربوط به مداخله نقش مهمی داشت و از کمپین نظامی و رویکردی فعالانه برای حفظ انسجام ناتو حمایت سیاسی قوی کرد. نقش بریتانیا، نه‌تنها در جایگاه نیروهای نظامی، بلکه در نقش حامی کلیدی، برای حفظ توجیه اخلاقی مداخله بود. به‌عبارت دیگر، تلاش‌های بلر و ورود کشور بریتانیا در جایگاه یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی باعث شد سایر اعضای ناتو برای حفظ تعهد خود به ائتلاف نظامی ناتو، برخلاف افکار عمومی داخلی کشورشان، موافقت کنند. بریتانیا همچنین، با مشارکت فعالانه در رویکردهای دیپلماسی عمومی ناتو،

1. Rambouillet Agreement

به ساخت روایت‌های راهبردی ناتو کمک کرد. الیستر کمپل^۱، رئیس ارتباطات بلر، در هماهنگی پیام‌های ارسالی در میان اعضای ناتو برای اطمینان از روایت یکپارچه نقش مهمی داشت و بر ضرورت اخلاقی مداخله تأکید داشت و در برابر انتقادات دربارهٔ اشتباه‌های نظامی از کمپین نظامی ناتو دفاع می‌کرد. بریتانیا، همچنین با تلاش‌های دیپلماتیکی خود تلاش کرد تا شکاف‌ها بین اعضای ناتو را کم کند و جبهه‌ای متحد از ائتلاف به‌وجود آورد و مانع ایجاد تفرقه‌هایی شد که می‌توانست مشروعیت و اثربخشی ناتو را تضعیف کند (Vickers, 2000: 52-70). در همین رابطه، مک‌کامیسی اشاره می‌کند که دیپلماسی فعال بلر و تأکید او بر وظیفهٔ اخلاقی حفظ انسجام ناتو در طول عملیات کوزوو بسیار اثربخش بوده است، به‌ویژه زمانی که در میان برخی کشورهای عضو شک و تردیدهایی دربارهٔ اثربخشی حملات هوایی طولانی‌مدت بدون راهبردی واضح به وجود آمده بود (McCumiskey, 2023: 259).

مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل چارچوب مفیدی برای درک رویکرد بریتانیا به جنگ کوزوو ارائه می‌دهد. تأکید بلر بر وظیفهٔ اخلاقی، مداخلهٔ بشردوستانه، و حفاظت از حقوق بشر با شاخهٔ هم‌بستگی‌گرای مکتب انگلیسی کاملاً هم‌خوانی دارد. در این شاخه بر مسئولیت جامعهٔ بین‌المللی در حفظ هنجارها و ارزش‌های جهانی تأکید می‌شود (McCourt, 2012: 5). می‌توان هدف بلر را از «رهنامهٔ جدید جامعهٔ بین‌المللی» به‌چالش کشیدن هنجار عدم‌مداخلهٔ کثرت‌گرایان و در مقابل ترویج مسئولیت اخلاقی برای حفاظت از حقوق بشر در سطح جهانی دانست. توجیه بلر برای مداخله در کوزوو به‌شدت بر اصول مداخلهٔ بشردوستانه و مسئولیت حمایت (R2P) استوار بود. وی مدام از این درگیری با عبارت بحران بشردوستانه یاد می‌کرد که به اقدام فوری در جهت جلوگیری از جنایت علیه غیرنظامیان نیاز دارد (Hammond & Herman: 2000: 20).

این چارچوب‌سازی با هدف جلب حمایت داخلی و بین‌المللی با ارجاع به الزام اخلاقی برای اقدام در مواجهه با نقض شدید حقوق بشر بود. مفهوم مداخلهٔ بشردوستانه و R2P در توجیه‌های بلر برای مداخله در کوزوو نقش مرکزی دارد. بلر استدلال کرده بود که مداخله نه‌تنها برای مردم کوزوو، بلکه برای حفظ هنجارهای بین‌المللی علیه پاک‌سازی قومی و نقض حقوق بشر ضروری است. سخنرانی‌های او اغلب به الزام اخلاقی برای اقدام اشاره داشت و بریتانیا و ناتو را

1. Alastair Campbell

مدافعان ارزش‌های جهانی قلمداد می‌کرد (Vickers, 2000: 57). تمرکز بر حفاظت از غیرنظامیان نیز در سخنرانی‌های بلر در اولیت قرار داشت. وی با ارجاع‌های مکرر به نیاز به متوقف کردن پاکسازی قومی و حفاظت از جان بی‌گناهان در تلاش بوده است تا مداخلهٔ بریتانیا را مشروع جلوه دهد (Roberts, 1999: 104). هیر نیز اشاره می‌کند که در متون پژوهشی، از مداخلهٔ نظامی در کوزوو اغلب به‌منزلهٔ معیاری برای مداخله‌های بشردوستانه یاد می‌شود و زمینه را برای حاکمیت و رفتار اخلاقی دولت‌ها در درگیری‌های بعدی نظیر عراق یا روندا فراهم می‌کند. این مداخله واقعه‌ای تعیین‌کننده در مشروعیت‌بخشی به هنجارهای بشردوستانه، نظیر مسئولیت حمایت یا مداخلهٔ بشردوستانه، است، به‌طوری‌که اقدام‌های ناتو الگوی جدیدی در مواجهه با جنایات گستردهٔ آتی مطالعه شده است (Hehir, 2008: 53).

۲.۵. جنگ لیبی

مداخله در لیبی (۲۰۱۱م) تحت لوای مسائل بشردوستانه و با استناد به رهنامهٔ مسئولیت حمایت (R2P) رخ داد و توانست نقش کلیدی خود را در این جنگ تثبیت کند. در لیبی، پاسخ خشونت‌آمیز قذافی به اعتراض‌ها، تهدید به قتل عام غیرنظامیان در بنغازی، بحران بشردوستانهٔ فوری تلقی شد که به اقدام بین‌المللی نیاز داشت، زیرا دولت لیبی در انجام مسئولیت بنیادی خود در حفاظت از مردم شکست خورده بود (Carati, 2017: 2). بنابراین، دیوید کامرون، نخست‌وزیر وقت بریتانیا، با حمایت ناتو و سایر کشورهای غربی، به‌منظور مقابله با رژیم معمر قذافی و جلوگیری از سرکوب خشونت‌آمیز مخالفان وارد میدان شد. این مداخله بخشی از عملیات نظامی برای اجرای قطعنامهٔ ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل بود که مجوز «حفاظت از غیرنظامیان و مناطق غیرنظامی تحت تهدید حمله» را صادر می‌کرد (Kuperman, 2013: 113).

نقش فعال بریتانیا در حمایت از مداخلهٔ نظامی بازتاب‌دهندهٔ رویکرد هم‌بستگی‌گرا در سیاست خارجی دولت دیوید کامرون بود. وی استدلال می‌کرد عدم اقدام علیه قذافی به فاجعهٔ بشردوستانهٔ مشابهی با فاجعهٔ رواندا منجر خواهد شد (Carati, 2017: 3). به‌همین دلیل، مداخلهٔ نظامی بریتانیا در لیبی بیشتر از طریق حملات هوایی و حمایت‌های لجستیکی از نیروهای مخالف قذافی آغاز و پیگیری شد. این عملیات بخشی از تلاشی بین‌المللی برای اعمال منطقهٔ پرواز ممنوع و حمایت از نیروهای مخالفی بود که علیه رژیم قذافی قیام کرده بودند.

دیوید کامرون، نخست‌وزیر وقت بریتانیا، مداخله در لیبی را وظیفه‌ای اخلاقی مطرح کرد که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد و تأکید داشت استفاده از زور، آخرین راه‌حل خواهد بود و تنها زمانی استفاده خواهد شد که راه‌های دیپلماتیکی به نتیجه نرسیده باشد (Ahmida, 2021). تصویب اقدام نظامی در شورای امنیت سازمان ملل، از طریق قطعنامه ۱۹۷۳، مشروعیت مداخله را بیشتر تقویت کرد و نوعی تأیید جمعی فراهم ساخت (Deeks, 2018: 752). مشارکت بریتانیا در لیبی با دلایلی مرتبط با ترویج دموکراسی و حمایت از آزادی همراه شد. این مداخله نه تنها وسیله‌ای برای حفاظت از غیرنظامیان، بلکه راهی برای حمایت از آرزوهای مردم لیبی برای دموکراسی و برچیدن رژیم استبدادی قذافی مطرح شد. کامرون و دیگر رهبران غربی مداخله را بخشی از جنبش بهار عربی مطرح کردند که به دنبال جایگزینی حاکمان خودکامه با ساختارهای حکومتی دموکراتیکی بود. این روایت، مداخله نظامی را در چارچوب مبارزه ایدئولوژیکی برای کسب حقوق بشر، آزادی و دموکراسی قرار داد (Omagu & Odigbo, 2018: 40-41).

با این حال، جنبه‌های عملیاتی مداخله، به ویژه کمپین بمباران هوایی گسترده، نگرانی‌هایی درباره توجیه‌های ابتدایی ایجاد کرد. تخریب وسیع زیرساخت‌ها و کشته‌شدن غیرنظامیان در جریان حملات هوایی به انتقادهای زیادی منجر شد و ناتو از مأموریت حفاظت از غیرنظامیان فراتر رفت و از معیار تناسب در نظریه جنگ عادلانه منحرف شد (Carati, 2017: 299). در مقابل، کشورهای نظیر روسیه و چین، با دیدگاهی کثرت‌گرایانه ابراز نگرانی کردند. این کشورها از دادن رأی به قطعنامه ۱۹۷۳ خودداری و استدلال کردند که مداخله نظامی، بدون شواهد روشن از اثربخشی آن، به بی‌ثباتی بیشتر منجر می‌شود. بدین ترتیب، هدف حفاظت بشردوستانه را تضعیف می‌کند (Rapoza, 2011).

نقش ناتو در جنگ لیبی به منزله ابزار مهمی در اجرای مداخله نظامی و افزایش امنیت منطقه‌ای، بسیار حیاتی بود. ناتو تحت عملیات «محافظ متحد»^۱ وظیفه حمایت از منطقه پرواز ممنوع، حفاظت از غیرنظامیان و اجرای تحریم تسلیحاتی را بر عهده گرفت. بریتانیا، یکی از اعضای اصلی ناتو، در رهبری این عملیات و تأمین منابع نظامی نقش بسزایی ایفا کرد. این عملیات را ناتو تلاشی جمعی برای جلوگیری از کشتار جمعی و حفاظت از غیرنظامیان در لیبی قلمداد کرد (Colley, 2015: 15).

بالین حال، آنچه در صحنه واقعی نبرد در لیبی رخ داد پیچیده تر بود. برکناری قذافی به ایجاد خلأ قدرت منجر شد و گروه‌های مختلف برای کنترل کشور و نشستن بر اریکه قدرت به رقابت پرداختند. نتیجه آن بی‌ثباتی طولانی مدت، به جای تأسیس دولت دموکراتیکی پایدار، بود. این فاصله بین نیت و نتیجه، محدودیت‌های استفاده از مداخله نظامی را همچون ابزاری برای دموکراتیک‌سازی و خطرهای مرتبط با تغییر رژیم بدون راهبردی منسجم برای تثبیت پس از درگیری نشان می‌دهد.

۶. یافته‌ها

بر اساس سؤال پژوهش و روش تحلیلی استفاده شده در این مقاله، به تحلیل محتوای سخنرانی‌های نخست‌وزیران وقت بریتانیا پرداختیم تا از این مدخل بتوان دلایل و توجیه‌های آنان را برای مشروع جلوه دادن اقدام‌های نظامی در کوزوو و لیبی یافت. در این بخش، نخست نظرهای رسمی تونی بلر در چهار سخنرانی وی و سپس موضع‌گیری‌های دیوید کامرون را بررسی خواهیم کرد.

سخنرانی‌های بلر از این قرار بود: نشست ناتو (۲۰ آوریل ۱۹۹۹م)^۱، نشست شیکاگو (۲۲ آوریل ۱۹۹۹م)^۲، مجلس عوام (۲۲ مارس ۱۹۹۹م)^۳، و بیانیه عمومی و ملی (۲۷ مارس ۱۹۹۹م)^۴. سخنرانی‌های دیوید کامرون نیز این موارد بود: بیانیه نخست‌وزیر در ارتباط با قطعنامه شورای امنیت (۱۸ مارس ۲۰۱۱م)^۵، پرسش و پاسخ نخست‌وزیر در مجلس عوام (۲۸ مارس ۲۰۱۱م)^۶، و سخنرانی کامرون در مجلس عوام (۲۸ فوریه ۲۰۱۱م)^۷.

بر اساس سؤال پژوهش: دلایل مشارکت بریتانیا در دو جنگ کوزوو و لیبی، و همچنین جایگاه بریتانیا در ناتو همچون بازوی اصلی نظامی در این دو جنگ و نظریه مکتب انگلیسی روابط بین الملل و رویکرد هم‌بستگی‌گرایانه آن به منزله چارچوب مفهومی و نظریه‌ای، همچنین رویه پیشبرد جنگ، سه دسته کد یا موضوع تعریف شد:

1. <https://www.nato.int/docu/speech/1999/s990420a.htm>
2. British Political Speech | Speech Archive <http://www.britishpoliticalspeech.org/speech-archive.htm?speech=279>
3. <https://publications.parliament.uk/pa/cm199899/cmhansrd/vo990323/debtext/90323-06.htm>
4. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/305034.stm
5. <https://www.gov.uk/government/news/prime-minister-statement-on-the-un-security-council-resolution-on-libya>
6. <https://www.parliament.uk/business/news/news-by-year/2011/march/statement-on-libya-and-the-european-council/>
7. <https://www.gov.uk/government/speeches/prime-ministers-statement-on-libya--2>

۱. نقش بریتانیا (رهبری، ابتکار عمل و اثرگذاری جهانی)؛
۲. مفاهیم ارزشی و هنجاری و مسئولیت‌ها (حفاظت از شهروندان، حفظ صلح، جلوگیری از درگیری، مسئولیت حمایت، مداخله بشردوستانه، ارزش‌های بشردوستانه، ارزش‌ها و مسائل اخلاقی، آزادی، دموکراسی و حقوق بین‌المللی)؛
۳. اتحادها و ائتلاف‌ها (سازمان ملل متحد، ناتو).

بر اساس کدها (موضوع‌ها) و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA، هریک از سخنرانی‌ها کدگذاری شد. در انتها نیز با استفاده از ابزارهای تجزیه و تحلیل محتوایی، در این نرم‌افزار نقشه شبکه‌ای بر اساس روش آتراید-استرلینگ تهیه شد. در این بخش به تحلیل و توصیف آن می‌پردازیم و روابط میان آن‌ها را شرح می‌دهیم.

۱.۶. تحلیل محتوای موضع‌گیری‌های بلر در خصوص جنگ کوزوو

نقشه شبکه‌ای حاصل از نظرهای بلر (شکل ۱)، پویایی روابط بین موضوع‌های مد نظر وی را تجسم می‌بخشد و دیدگاهی کیفی از چگونگی تجمع این ایده‌ها را در رابطه با روایت منسجم ارائه می‌دهد. در ادامه، به بررسی و تبیین نقشه شبکه حاصل از تحلیل کیفی سخنرانی‌های وی می‌پردازیم.

در مرکز نقشه، گره‌های «مداخله بشردوستانه»، «حفاظت از غیرنظامیان» و «ارزش‌های بشردوستانه» قرار دارد که به‌طور گسترده و توأم، با سایر موضوع‌ها مانند «مسئولیت حفاظت» و «مسائل اخلاقی» مرتبط است. این امر ایده و توجیه اصلی و مرکزی بلر را برای مداخله بر مبنای دلایل بشردوستانه با تأکید بر مسئولیت و رهبری اخلاقی تقویت می‌کند. مرکزیت «مداخله بشردوستانه» در نقشه نشان‌دهنده استناد بلر به چارچوب جنگ عادلانه است، به‌ویژه اصولی مانند حفاظت از غیرنظامیان و اقتدار مشروع ذیل عملیات‌های ناتو. ارتباطات قوی بین «حفاظت از غیرنظامیان» و «مسئولیت حمایت» (R2P) همسویی بلر را با هنجارهای هم‌بستگی گرایانه نشان می‌دهد و مداخله را پاسخی ضروری به جنایت‌ها و راهی برای حفظ ارزش‌های جامعه بین‌المللی معرفی می‌کند. تأکید بر «ارزش‌های بشردوستانه» بیشتر تلاش بلر را برای اخلاقی کردن مشارکت بریتانیا نشان می‌دهد و آن را موضعی اصولی در برابر بی‌عدالتی و نه صرفاً اقدامی راهبردی به تصویر می‌کشد.

این شبکه همچنین، ادغام موضوع‌های راهبردی و نهادی را نشان می‌دهد. پیوندهای قوی بین «ناتو» و «اتحادها» نشان‌دهندهٔ اتکای بلر به چارچوب‌های چندجانبه برای مشروعیت‌بخشیدن به مداخله است. با تأکید بر نقش ناتو همچون لنگرگاهی نهادی، بلر جنگ را تلاشی جمعی مطرح کرد و از این طریق از انتقادهای احتمالی دربارهٔ عملکرد یک‌جانبه‌گرایی جلوگیری کرد. ارتباط بین «رهبری» و «نفوذ جهانی» نیز نشان می‌دهد که بلر مداخله را فرصتی برای ارتقای جایگاه جهانی بریتانیا می‌دید و هویت آن را مدافع برجستهٔ هنجارها و حقوق بین‌المللی معرفی و آن را تقویت می‌کرد. علاوه بر این، نقشهٔ شبکه‌ای به هم‌پیوندی نگرانی‌های اخلاقی و عملگرایی، نظیر ابتکار عمل‌های نهادی، اشاره دارد. به‌طور مثال، «جلوگیری از درگیری‌ها» و «صلح‌سازی» با «دیپلماسی» و «حقوق بین‌الملل» ارتباط نزدیک دارد، که نشان می‌دهد موضع‌گیری بلر توجیه‌های اخلاقی را با ملاحظات نهادی حل‌وفصل درگیری‌ها و ثبات بلندمدت ترکیب می‌کرد. این ترکیب ایده‌ها و عملگرایی با تأکید مکتب انگلیسی بر تعادل

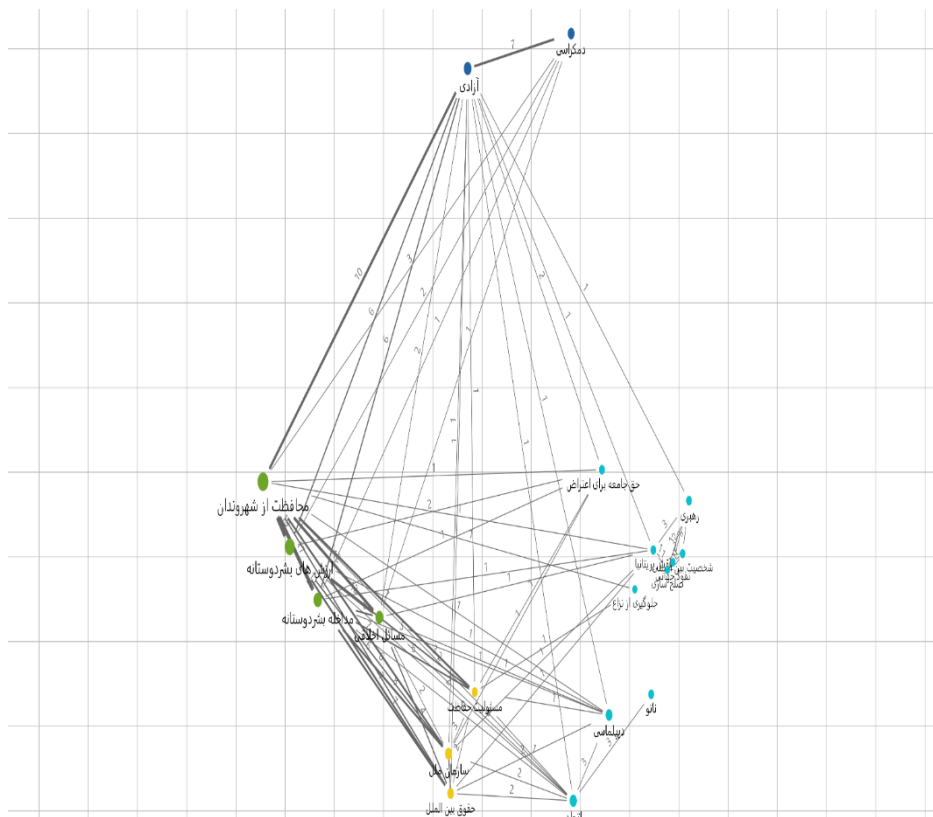
ارزش‌های هم‌بستگی‌گرا با احترام کثرت‌گرایانه به حاکمیت دولت و حقوق بین‌الملل در چارچوب نهادهای مطرح‌شده از جانب هدلی بول همخوانی دارد. گفتمان تونی بلر درباره جنگ کوزوو عمیقاً در اصول بشردوستی، چندجانبه‌گرایی، و رهبری جهانی ریشه دارد. نقشه شبکه‌ای همچنین نشان می‌دهد چگونه این موضوع‌ها به روایتی منسجم از مشروعیت اخلاقی و نهادی مبدل می‌شود. رویکرد سیاست خارجی تونی بلر، همان‌طور که در سخنرانی‌های او درباره جنگ کوزوو منعکس شده است، نشان‌دهنده تعهد قوی به مداخله‌گرایی اخلاقی و دیدگاه هم‌بستگی‌گرا در روابط بین‌الملل است. بلر مدام بر مسئولیت اخلاقی دولت‌ها، به‌ویژه دموکراسی‌های غربی، برای مداخله در بحران‌ها به‌منظور حفظ ارزش‌های جهانی مانند حقوق بشر، حفاظت از غیرنظامیان، و آزادی تأکید داشت. این رویکرد نگرانی‌های بشردوستانه (هم‌بستگی‌گرایی) را بر مفاهیم سنتی حاکمیت (کثرت‌گرایی) اولویت می‌دهد و تغییر قلیل‌توجه در سیاست خارجی بریتانیا را در دوران پس از جنگ سرد نشان می‌دهد. بلر همچنین، با باور نقش مرکزی ناتو بر اهمیت چندجانبه‌گرایی تأکید داشت. تمرکز او بر اتحادها و چارچوب‌های نهادی، ترجیح او را برای مشروعیت‌بخشی و عملیاتی کردن مداخله‌ها از طریق اقدام جمعی نشان می‌داد. با استفاده از ناتو، بلر این ایده را تقویت کرد که چندجانبه‌گرایی نه تنها مشروعیت را افزایش می‌دهد، بلکه اجرای مؤثر مأموریت‌های بشردوستانه را نیز تضمین می‌کند.

به‌طور خلاصه، رویکرد سیاست خارجی بلر در جنگ کوزوو نمایانگر دیدگاه هم‌بستگی‌گراست که در آن نگرانی‌های بشردوستانه و الزام‌های اخلاقی بر حاکمیت سنتی دولت اولویت دارد. تأکید او بر رهبری اخلاقی، همکاری چندجانبه، و مداخله پیشگیرانه، رویکردی ارزش‌محور به روابط بین‌الملل را نشان می‌دهد. در عین حال، استفاده او از ناتو و تمرکز بر رهبری ملی نشان‌دهنده درک راهبردی نقش بریتانیا در شکل‌دهی به هنجارهای جهانی و حفظ نفوذ است. میراث بلر در سیاست خارجی به این ترتیب با تغییر به سمت مداخله‌گرایی و ترویج ارزش‌های جهانی، بریتانیا را در جایگاه رهبر جهانی در پیگیری اهداف بشردوستانه قرار می‌دهد؛ چیزی که در آینده در خصوص عراق نیز رخ داد.

۲.۶. تحلیل محتوای موضع‌گیری‌های کامرون در خصوص جنگ لیبی

نقشه شبکه‌ای روابط میان موضوع‌های کلیدی در سخنرانی‌های دیوید کامرون درباره جنگ لیبی (شکل ۲) را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد. در این شبکه،

موضوع‌های اصلی «آزادی»، «حفاظت از غیرنظامیان»، و «ارزش‌های بشردوستانه» است که به‌طور معناداری با سایر مفاهیم مانند «دموکراسی»، «R2P» (مسئولیت حفاظت)، و «مداخله بشردوستانه» مرتبط است.



شکل ۲. نقشه شبکه‌ای و تحلیلی از محتوای سخنرانی‌های دیوید کامرون درباره مداخله بریتانیا در جنگ لیبی

این ساختار، چارچوب راهبردی کامرون را برای مشارکت بریتانیا در لیبی ضرورتی اخلاقی و سیاسی نشان می‌دهد. برجستگی «آزادی» و ارتباطات قوی آن با «دموکراسی» تمرکز بلاغی کامرون را بر همسو کردن مداخله در لیبی با آرمان‌های حکومت دموکراتیکی و آزادی‌های فردی برجسته می‌کند. این رویکرد با دیدگاه هم‌بستگی‌گرای مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل هماهنگ است و بر مسئولیت جامعه بین‌المللی برای حفظ هنجارها و ارزش‌های اخلاقی مشترک تأکید دارد.

«حفاظت از غیرنظامیان» نیز یکی دیگر از موضوع‌های مرکزی توأم با «ارزش‌های بشردوستانه»، «مداخله بشردوستانه»، و «مسائل اخلاقی» مرتبط است. این موضوع تلاش‌های کامرون را برای توجیه مداخله در لیبی در پاسخی ضروری برای جلوگیری از جنایت‌های گسترده و حفاظت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر شهروندی نشان می‌دهد. ارتباطات قوی R2P و «حقوق بین‌الملل» نشان‌دهنده این است که کامرون به دنبال استناد به چارچوب‌های قانونی و هنجاری بود و مداخله را الزامی اخلاقی و اقدام قانونی تحت حمایت سازمان ملل معرفی می‌کرد.

ابعاد راهبرد برجسته عبارت بود از موضوع‌هایی مانند «اتحادها»، «ناتو»، و «دیپلماسی» با «UN» و «جلوگیری از درگیری‌ها» که نشان می‌دهد کامرون چندجانبه‌گرایی را یکی از ارکان مهم رویکرد سیاست خارجی خود می‌دانست. کامرون، همچون بلر، با برجسته‌سازی نقش ناتو، مداخله را رویکردی جمعی معرفی و از انتقادهای احتمالی درباره یک‌جانبه‌گرایی جلوگیری کرد. موضوع‌هایی مانند «رهبری»، «نقش بریتانیا»، و «نفوذ جهانی» نشان‌دهنده تمایل کامرون به موقعیت‌دهی بریتانیا در جایگاه بازیگر جهانی پیشروست. ارتباط بین این موضوع‌ها و «حفاظت از غیرنظامیان» نشان می‌دهد که کامرون مشارکت بریتانیا را نشانگر رهبری اخلاقی و تأییدی بر نقش آن در جامعه بین‌المللی مطرح کرده است. این موضوع تعادل بین الزام‌های اخلاقی و منافع راهبردی را نشان می‌دهد. در نهایت، به رویکرد دقیق کامرون به مداخله اشاره دارد. پیوندهای بین «دیپلماسی»، «صلح‌سازی»، و «حقوق بین‌الملل» نشان می‌دهد که کامرون مداخله در لیبی را استفاده محدود و اصولی از زور با هدف حل بحران فوری و ایجاد زمینه برای ثبات و اصلاح‌های بلندمدت، مطرح کرده بود.

رویکرد سیاست خارجی دیوید کامرون در جنگ لیبی ترکیبی از بشردوستی، منافع راهبردی، و چندجانبه‌گرایی را در بر می‌گیرد. او در سخنرانی‌های خود بر اهمیت حفاظت از غیرنظامیان، ترویج دموکراسی و حفظ نظم بین‌المللی تأکید داشت، درحالی‌که نقش رهبری بریتانیا در ناتو و مسئولیت‌های جهانی آن نیز اهمیت انکارناپذیری داشت. حفاظت از غیرنظامیان توجیه اصلی برای مداخله در لیبی و تأکید بر مسئولیت اخلاقی جامعه بین‌المللی برای جلوگیری از جنایت، برجسته‌ترین ویژگی موضع‌گیری وی بود. کامرون همچنین، مداخله را دفاع از ارزش‌های جهانی مطرح کرد، از جمله آزادی،

دموکراسی، و حقوق بشر؛ و بریتانیا را حامی این ارزش‌ها معرفی کرد. چندجانبه‌گرایی و همکاری نهادی در رویکرد سیاست خارجی کامرون نقشی کلیدی داشت و بر اهمیت اقدام جمعی برای تضمین موفقیت مداخله تأکید دارد. او بریتانیا را بازیگر جهانی فعال و مسئولی معرفی کرد که متعهد به جلوگیری از درگیری‌ها و مقابله با بحران‌های بشردوستانه است.

۷. نتیجه‌گیری

سیاست خارجی بریتانیا در دو دوره نخست‌وزیری تونی بلر و دیوید کامرون، به‌رغم تفاوت‌های حزبی، در مسیر حفظ جایگاه بین‌المللی کشور و ایفای نقش فعال در مداخله‌های نظامی بشردوستانه حرکت کرده است. در این پژوهش، با استفاده از رویکرد مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل نشان دادیم که اگرچه هر دو دولت در چارچوب نهادهایی چون ناتو و سازمان ملل متحد به مداخله نظامی اقدام کردند، انگیزه‌ها، ابزارها و نحوه مشروعیت‌بخشی به این مداخله‌ها تفاوت‌های معناداری داشت. بلر با تأکید بر اصول اخلاقی و رهنامه «جامعه بین‌المللی»، مداخله در کوزوو را مسئولیتی اخلاقی در قبال نقض حقوق بشر قلمداد کرد و با نادیده گرفتن الزام‌های حقوق بین‌الملل، به نوعی رهبری اخلاقی بریتانیا را تقویت کرد. در مقابل، کامرون، با توجه به میراث منفی جنگ عراق و بی‌اعتمادی عمومی، تلاش کرد مداخله در لیبی را در قالب اقدامی مشروع، چندجانبه و مبتنی بر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و اجماع منطقه‌ای تعریف کند. بنابراین، تفاوت در راهبردهای مشروعیت‌بخشی، منعکس‌کننده تغییرات محیط بین‌المللی و الگوهای یادگیری در سیاست خارجی بریتانیا است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند دو نخست‌وزیر بریتانیا، تونی بلر و دیوید کامرون، در مداخله‌های نظامی خود در کوزوو و لیبی از اصولی مشابه چون مداخله بشردوستانه و دفاع از غیرنظامیان بهره گرفتند، تفاوت‌هایی بنیادین در رویکرد آنان وجود دارد. بلر با تکیه بر رهنامه اخلاقی و نقش رهبری اخلاقی بریتانیا، به مشروعیت اخلاقی بیش از مشروعیت حقوقی توجه داشت، درحالی‌که کامرون با تجربه جنگ عراق، بر ضرورت مشروعیت‌بخشی حقوقی بین‌المللی از طریق نهادهایی چون شورای امنیت تأکید کرد. همچنین، نحوه به‌کارگیری قدرت نرم و تعامل با نهادهای بین‌المللی در این دو دوره متفاوت بود، به‌گونه‌ای که بلر بیشتر به ناتو و ارزش‌های غربی متکی بود، و کامرون به اجماع بین‌المللی و مشروعیت حقوقی اولویت داد.

این تفاوت‌ها نه تنها به درک بهتر از تظورهای سیاست خارجی بریتانیا کمک می‌کند، بلکه راهگشای تحلیل‌های آتی درباره پیوند میان سیاست‌های حزبی و رفتار بین‌المللی دولت‌ها در چارچوب نهادهای نظم جهانی است.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- کاظمی م ح، زارع بوشهری م، کاظمی ن. (۱۴۰۰). «عوامل جریان سنت استدراج در قرآن با استفاده از روش تحلیل مضمون». *مطالعات علوم قرآن*. ۳(۳): ۷-۴۲.
<https://doi.org/10.22081/jqss.2022.62439.1153>
 قوام ع، نجفی‌سیار ر. (۱۳۹۲). «ارتقای مفهوم مداخله بشردوستانه در بستر نظریه‌های روابط بین‌الملل (با تأکید بر مکتب انگلیسی)». *مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)*. ۶(۲۴): ۳۷-۶۰.
<https://sid.ir/paper/247506/fa>
 معصوم‌زاده ن. (۱۳۹۸). «مکتب انگلیسی؛ از پویش‌های روش‌شناسانه تا گفتمان امنیتی». *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*. ۴(۴۳): ۷-۳۶.

Ahmida AA. (2021). *Intervention in Libya: The Responsibility to Protect in North Africa*. Karin Wester.

Attride-Stirling J. (2001). "Thematic networks: An analytic tool for qualitative research". *Qualitative Research*. 1(3): 385-405.

- <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>.
- Bellamy AJ. (2009). *Responsibility to Protect: The Global Effort to End Mass Atrocities*. Polity Press.
- Braun V, Clarke V. (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative Research in Psychology*. 3(2): 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>.
- Brown C. (2002). *Sovereignty, Rights and Justice: International Political Theory Today*. Polity.
- Bull H. (1977). *The Anarchical Society: A Study of Order in World Politics*. Columbia University Press.
- (1966). "The Gratian Conception of International Society". in *Diplomatic Investigations*. Edited by Butterfield H, Wight M. London: Georg Allen & UN Vin Ltd.
- Buzan B. (2002). "Rethinking the solidarity-puralist debate in English school Theory". *ISI panel solidarity in Anarchy: Advancing the new English School Agenda*. New Orleans.
- Carati A. (2017). "Responsibility to protect, NATO and the problem of who should intervene: Reassessing the intervention in Libya". *Global Change, Peace & Security*. 29(3): 293-309. <https://doi.org/10.1080/14781158.2017.1384719>.
- Colley T. (2015). "What's in it for Us: The politics of intervention and the role of public narratives". *The RUSI Journal*. 160(4): 60-69. <https://doi.org/10.1080/03071847.2015.1080602>.
- Daddow O, Schnapper P. (2013). "Liberal intervention in the foreign policy thinking of Tony Blair and David Cameron". *Cambridge Review of International Affairs*. 26(2): 330-349. <https://doi.org/10.1080/09557571.2012.737763>.
- Deeks A. (2018). *The NATO Intervention in Libya—2011*. Part 3 The Post 9/11-Era (2001–), 56. Oxford University Press eBooks (pp. 749–759). <https://doi.org/10.1093/law/9780198784357.003.0056>.
- Dunne, T. (1998). *Inventing International Society: A History of the English School*. Palgrave Macmillan.
- Hammond P, Herman ES. (Eds.) (2000). "Degraded capability: The media and the Kosovo crisis". *Pluto Press*. <https://doi.org/10.2307/j.ctt18fs3sb>.
- Hehir, A. (2008). *Humanitarian Intervention after Kosovo: Iraq, Darfur and the Record of Global Civil Society*. Palgrave Macmillan.
- Jackson R. (2000). *The Global Covenant: Human Conduct in a World of States*. Oxford University Press.
- Kartashkin V. (1991). "Human rights and humanitarian intervention". Domrosch LF, Scheffer DJ. *Law and Force in the International Order*. USA: Westview Press.
- Kazemi M, ZareBushahri M, Kazemi N. (2021). "Factors of the Tradition of Istidraj in the Qur'an Using Thematic Analysis". *Studies of Qur'anic Sciences*. 3(3): 7-42. <https://doi.org/10.22081/jqss.2022.62439.1153>. [in Persian]
- Keohane RO. (2003). "Political authority after intervention: gradations in sovereignty". Holzgrefe JL, Keohane RO. (Eds.). *Humanitarian Intervention: Ethical, Legal and Political Dilemmas* (pp. 275–298). Cambridge: Cambridge University Press.
- Ker-Lindsay J. (2009a). "From autonomy to independence: The evolution of international thinking on Kosovo, 1998–2005". *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*. 11(2): 141-156. <https://doi.org/10.1080/19448950902920780>.
- Ker-Lindsay J. (2009b). *Kosovo: The Path to Contested Statehood in the Balkans*. I.B. Tauris.
- Kumar R. (2012). *Research Methodology: A Step-by-Step Guide for Beginners*. SAGE Publications.
- Kuperman AJ. (2013). "A model humanitarian intervention? Reassessing NATO's

- Libya campaign". *International Security*. 38(1): 105-136. <http://www.jstor.org/stable/24480571>.
- Linklater A. (1990). "The problem of community in international relations". *Alternatives: Global, Local, Political*. 15(2): 135-153. <http://www.jstor.org/stable/40644678>.
- Masomzadeh N. (2019). "English school; from methodological approaches to security discourse". *The Monthly International Journal of Nations Research*. 3(48). [in Persian]
- McCourt D. (2012). "Embracing humanitarian intervention: Atlanticism and the UK interventions in Bosnia and Kosovo". *British Journal of Politics and International Relations*. 15(2): 246-262. <https://doi.org/10.1111/j.1467-856X.2012.00532.x>.
- McCumiskey JP. (2023). *British Foreign Policy in former Yugoslavia 1989-1999: Brotherhood and Unity Lost*. Palgrave Macmillan.
- Omagu D, Odigbo J. (2018). "Democracy and the struggle for democratisation in Libya". *Socialscientia: Journal of Social Sciences and Humanities*. 2(1). <https://journals.aphriapub.com/index.php/SS/article/view/157>.
- Qavam SA, Najafi Sayyar R. (2014). "Promoting The concept of humanitarian intervention in the context of international relations theory (with emphasis on English School)". *Studies Of International Relations Journal (Political Science and International Relations Journal)*. 6(24): 37-60. Sid. [https://Sid.Ir/Paper/247506/En_ \[in Persian\]](https://Sid.Ir/Paper/247506/En_ [in Persian])
- Rapoza K. (2011). "Russia and China team up against NATO Libya campaign". *Forbes*. <https://www.forbes.com/sites/kenrapoza/2011/06/17/russia-and-china-team-up-against-nato-libya-campaign/>.
- Roberts A. (1999). "NATO's humanitarian war over Kosovo". *Survival*. 41(3): 102-123.
- Stirling J. (2001). "Thematic networks: An analytic tool for qualitative research". *Qualitative Research*. 1(3): 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>.
- Thakur RC. (2011). "The responsibility to protect: norms, laws and the use of force in international politics". *CiNii*. <http://ci.nii.ac.jp/ncid/BB04580118>.
- Thomas CG. (2021). *Research Methodology and Scientific Writing*. Springer.
- United Nations General Assembly. (2005). "2005 World Summit Outcome (A/RES/60/1)". <https://undocs.org/A/RES/60/1>.
- Vaismoradi M, Turunen H, Bondas T. (2013). "Content analysis and thematic analysis: Implications for conducting a qualitative descriptive study". *Nursing & Health Sciences*. 15(3): 398-405. <https://doi.org/10.1111/nhs.12048>.
- Vickers M. (2000). *Between Serb and Albanian: A History of Kosovo*. Hurst & Company.
- Welsh JM. (2016). "The responsibility to protect after Libya & Syria". *Daedalus*. 145(4): 75-87. <http://www.jstor.org/stable/24916785>.
- Wheeler NJ. (2000). *Saving Strangers: Humanitarian Intervention in International Society*. Oxford University Press.